

## گسست بین تعاریف و واقعیت های زاغه ها<sup>۱</sup>

نویسنده: صدف سلطان خان<sup>۲</sup>

منبع: بولتن موسسه مطالعات توسعه دانشگاه ساسکس (IDS).

تاریخ انتشار: ۲۶ ماه می ۲۰۲۳.

مترجم: حمیدرضا زرنکار

اشاره:

در مطلب پیش روی. خانم صدف سلطان خان به عنوان بخشی از پروژه جوابگویی و پاسخگویی در سکونتگاه های غیر رسمی شهری برای برابری در سلامت و رفاه (ارایز)<sup>۳</sup> که موسسه مطالعات توسعه (IDS) شریک آن است، در مورد عدم ارتباط بین تعریف سازمان ملل از زاغه نشین ها و واقعیت های متنوع سکونتگاه های غیر رسمی این مناطق گزارش می دهد. خانم صدف سلطان خان در حال حاضر عضو پژوهشی شاخه شهرها در موسسه مطالعات توسعه (IDS) دانشگاه ساسکس انگلستان است.

تعریف نهاد اسکان ملل متحد<sup>۴</sup> از محله زاغه نشین شامل مواردی است که به عنوان "پنج فقدان" شناخته می شود.

(۱) فقدان دسترسی به آب.

(۲) فقدان دسترسی به سیستم پیشرفته دفع فضولات.

(۳) فقدان فضای زندگی کافی.

(۴) فقدان مداومت اسکان.

(۵) فقدان امنیت در اداره.

---

<sup>۱</sup> The disconnect between the definitions and the realities of slums

<sup>۲</sup> Sadaf Sultan Khan

<sup>۳</sup> Accountability and Responsiveness in Informal Urban Settlements for Equity in Health and Well-being (ARISE)

<sup>۴</sup> UN Habitat

پیشنهاد می‌کنم که این تعریف را در اتاقی پر از محققان، کنش‌گران و متخصصان که در محله‌های زاغه نشین کار می‌کنند، مطرح نمایید - همان‌طور که در آخرین جلسه عمومی سالانه پروژه *جوابگویی و پاسخگویی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری برای برابری در سلامت و رفاه (ارایز)* در بمبئی انجام دادیم - که با یک غوغای خشمگین در مورد نادرستی و بی‌عدالتی چنین تعاریفی مواجه شدیم. حاضران به شدت استدلال می‌کردند که این فضاها و جوامع غیرقانونی یا کثیف نیستند و این روایت در واقع توسط طبقات مسلط رواج یافته است، همان افرادی که ساکنان زاغه‌ها را با فقرای شهری یکی می‌دانند. آن‌ها اشاره کردند که غیرقانونی خواندن زاغه‌ها یا سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر حقوق بشر اشتباه است.

این‌ها فضاهای پر رونقی با ساختارهای پیچیده حاکمیتی اند که هر چند غیررسمی، اما بیش‌تر اوقات فعال‌اند. این ساختارها تضمین می‌کنند که علی‌رغم غیبت محسوس دولت، مردم به آب و فاضلاب و غیره دسترسی داشته باشند، البته با هزینه‌های گزاف.

همکاران ما در بمبئی در ادامه توضیح دادند چگونه مردمی که در سکونتگاه‌های غیررسمی به سر می‌برند به اقتصاد محلی کمک‌های مهم و اساسی عرضه می‌دارند. این افراد شامل زباله‌گردها، کارگران بهداشتی، رانندگان تاکسی و صاحبان مشاغل کوچک‌اند که بدون آن‌ها بخش رسمی شهر به دردمر می‌افتد.

حاضران این‌را به بحث گذاردند که علی‌رغم نقش‌های حیاتی این جوامع و فضاها، چگونه مردمی که در سکونتگاه‌های غیررسمی به سر می‌برند به‌طور منظم برای دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و حمایت اجتماعی مبارزه نموده و هنگام درگیر شدن با ساختارها و خدمات رسمی شهر، با برحسب زدن‌های واهی مواجه می‌شوند.

### تغییر تمرکز: واقعیت‌های متنوع در سکونتگاه‌های غیررسمی

اگر افرادی که در محله‌های زاغه‌نشین و مکان‌های غیررسمی کار و زندگی می‌کنند، ضرورت وجود چنین فضاهایی را در شهرها به‌روشنی می‌دانند، چرا سازمان‌هایی مانند *سکان ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی* به استفاده از چارچوب‌های قدیمی ادامه می‌دهند؟ در حالی که واقعیت‌های موجود کاملاً متفاوت است؟

منطق ارائه شده این است که شاخص‌های فیزیکی نظیر دسترسی به آب، سرویس بهداشتی، منطقه زندگی مناسب و غیره، اندازه‌گیری بهبود در داخل سکونتگاه را خانوار به خانوار امکان‌پذیر ساخته و ابزار ارزیابی تأثیر برنامه‌های توسعه بر فضاها و جوامع ساکن در آن‌ها را فراهم می‌کند.

متأسفانه، بر اساس آن چه که در اظهارات بالا نشان داده شد، چیزی که همزمان اتفاق می افتد، همانا نادیده گرفتن و بی توجهی نسبت به سازوکارهای ظریف و پیچیده اجتماعی-اقتصادی است که کارکرد این شهرک ها را موجب می شوند. این بدان معنا نیست که مسائل مربوط به ارائه خدمات، امنیت اداره و مصالح ساختمانی ضعیف باید به طور کامل نادیده گرفته شوند و یا در واقع موجب نگرانی نیستند. ما خیلی ساده توضیح می دهیم که ارزش بسیاری که برای برخی مسایل قایل شده اند، چالش های فوری تر را که توسط ساکنان و شاغلان زاغه ها و سکونتگاه های غیر رسمی تجربه گردیده است؛ نادیده می گیرد. چالش هایی مانند تهدید به اخراج که در تمام سایت های پروژه جوابگویی و پاسخگویی در سکونتگاه های غیر رسمی شهری برای برابری در سلامت و رفاه (ارایز) تجربه شد، سیل و رانش زمین (در فری تاون<sup>۵</sup>)، آتش سوزی (در داکا<sup>۶</sup>) و خشونت مبتنی بر جنسیت، این قدرت را دارند که جوامع را از بین ببرند، معیشت را مختل کنند و به شدت بر سلامت و رفاه اعضای جامعه تأثیر بگذارند.

آن چه ما در فرآیند کار با جوامع در سراسر چشم انداز پروژه ارایز دیده ایم آن است که نیازها و چالش های جوامع از محلی به محل دیگر و از زمینه ای تا زمینه ای دیگر متفاوت است. برای مثال، داده های داکا و فری تاون نشان می دهد که سابقه سکونتی ممکن است در سطح ارائه خدمات در یک شهرک نقش داشته باشد. به نظر می رسد که شهرک های مسن تر خدمات بهتری ارائه می دهند.

تجارب شرکای هندی پروژه نشان می دهد که جوامع راه های خلاقانه ای را پیدا کرده اند تا دسترسی به خدمات در عین توجه به برنامه ریزی رایج و استانداردهای کیفیت در داخل شهر حاصل گردد. مجموعه ای از شگردهای محلی که دسترسی به امکانات را امکان پذیر می سازند، به واسطه دستورالعمل ها و موازین محلی تثبیت می شوند و کمک می کنند که مقامات شهری که در پی قطع این امکانات بودند از این موضوع صرف نظر نمایند. تمام این فرایندها بیانگر دانش بسیار این جوامع از عملکرد ارائه دهندگان خدمات و سیاستگذاران است. این موضوع توانایی جوامع را برای نوآوری و یادگیری و انطباق در یک سیستم به امید رسمیت یافتن امور برجسته می کند.

جوامع در زاغه ها و مکان های غیر رسمی همچون جوامع بزرگ تر، با سلسله مراتب داخلی نیز ناهمگنی دارند. گروه های به حاشیه رانده شده با آسیب پذیری های متعدد - معلولیت، زنان سرپرست خانوار، تعصبات قومی یا مذهبی - در انتهای یک طیف اجتماعی - فضایی به سر می برند. در حالی که افراد توانمندتر، با ارتباطات بهتر و در موقعیت قدرت، مانند روسای محلی، بزرگان و رهبران جامعه محلی، در انتهای دیگر طیف جای گرفته اند.

---

<sup>۵</sup> Freetown

<sup>۶</sup> Dhaka

با این ترتیبات و شاید به این دلیل است که در شرایط شکست دولت در حمایت و ارائه خدمات، سازمان‌های جامعه محور<sup>۷</sup>، سازمان‌های غیر دولتی و کمیته‌های مشورتی اجتماعی<sup>۸</sup> قادر به سازماندهی و بسیج برای ارائه راه‌حل‌های داخلی برای خدمات و طرح چالش‌های مربوط به آب، فاضلاب، ضد عفونی و مراقبت‌های بهداشتی در شهرک‌های زاغه نشین شدند. این ساختارهای حاکمیتی غیر رسمی اغلب از بیرون به ساختارهای رسمی تر، مانند مشاوران بخش و سیاستمداران محلی، برای کمک به تسهیل دسترسی به خدمات اساسی و امثال آن متصل می‌شوند که نشان دهنده درجات مختلفی از توانایی برای پاسخگو نمودن سیاستگذاران، ارائه دهندگان خدمات و بازیگران حاکمیتی در این ساختارهای اجتماعی است.

در اصل، آن چه بررسی ما از اسناد آژانس‌های چندجانبه در مورد تعاریف زاغه نشین‌ها و سکونتگاه‌های غیر رسمی بیان می‌کند، نشان دهنده آن است که گسستی بزرگ میان نحوه درک از این فضاها و جوامع و آن چه که واقعاً هستند، و مهم تر از همه، توانایی‌های آن‌ها وجود دارد.

غوغا و خشم تمام کسانی که در اتاق پروژه /رایز در بمبئی حضور داشتند کاملاً موجه بود، زیرا این تعاریف یکنواخت، گسترده و البته بر کمبودها متمرکزند تا بر ناهمگونی و سخت‌کوشی جوامع و شبکه‌های درون آن‌ها. به علاوه این تعاریف ارائه دهندگان خدمات و سیاستگذاران را از هرگونه مسئولیت در قبال جوامع در این فضاها مبرا می‌دارند.

### حرکت رو به جلو

در حالی که این تعاریف از نظر ارزیابی و تجزیه و تحلیل تأثیر برای سازمان‌های اعطا کننده کمک‌ها هدفمند هستند، اما به جوامعی که توصیف می‌کنند زیان می‌رسانند. تعاریف مزبور به طور ذاتی با بودجه برنامه‌ها، ظرفیت‌سازی در جوامع و سازمان‌ها و خلق دانش مرتبط‌اند. حذف کردن‌های متعدد و ساده‌سازی‌های بیش از حد مصنوعی در آن‌ها توانایی سرمایه‌گذاران را برای تصدیق و پاسخگویی به نیازهای خاص محیط محدود می‌کند. در حرکت رو به جلو، نیاز به بازنگری این تعاریف وجود دارد تا اطمینان حاصل شود که آن‌ها ماهیت ناهمگون و متقاطع مردم، مکان‌ها، فرآیندها و البته مشکلات موجود در محله‌های زاغه نشین و سکونتگاه‌های غیر رسمی شهری را بازتاب می‌دهند.

<sup>۷</sup> Community Based Organisations (CBOs)

<sup>۸</sup> Community Advisory Committees (CACs)

این تعاریف باید به شکلی فراگیر توسعه داده شوند، نظرات جوامعی را که بیشترین تأثیر را دارند در نظر گیرند و نه تنها چالش‌ها، بلکه راه‌حل‌های موفق‌تری که این جوامع طراحی می‌نمایند (تا در سیستمی که تمایلی به تصدیق آن‌ها ندارد بمانند) و همچنین سهم آن‌ها از زندگی شهری را تأیید کنند.